

225160 - آداب نصیحت

سوال

موارد اصلی که باید در گفتن نصیحت رعایت شود چیست؟ و آیا نصیحت باید به صورت خصوصی گفته شود یا در جمع؟ و چه کسی صلاحیت نصیحت کردن را دارد؟

پاسخ مفصل

نصیحت از جمله نشانه‌های بارز برادری اسلامی و از کمال ایمان و تمام احسان است چرا که ایمان مسلمان کامل نمی‌شود مگر هنگامی که برای برادرش آنچه را برای خود می‌پسندد بخواهد و برای برادرش همان چیزی را بد بداند که برای خودش بد می‌داند و این انگیزه نصیحت است.

بخاری (۵۷) و مسلم (۵۶) از جریر بن عبدالله . رضی الله عنه . روایت کرده‌اند که گفت: **«با رسول الله . صلی الله علیه وسلم . بر اقامه نماز و دادن زکات و نصیحت برای هر مسلمان بیعت کردم».**

و مسلم (۵۵) از تمیم داری . رضی الله عنه . روایت کرده که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . فرمودند: **«دین نصیحت است»** گفتیم برای چه کسی؟ فرمود: **«برای الله و برای کتابش و برای پیامبرش و برای امامان مسلمان و عموم آنان».**

ابن اثیر . رحمه الله . می‌گوید:

«نصیحت عموم مسلمانان به معنای راهنمایی آنان به سوی مصلحت‌های آنان است» (النهاية: ۵ / ۱۴۲).

نصیحت آدابی کلی دارد که باید شخص نصیحت‌گر دلسوز رعایتش نماید، از جمله:

. انگیزه‌اش خواستن خیر برای برادر مسلمان و بد دانستن شر برای او باشد. ابن رجب . رحمه الله . می‌گوید:

«اما درباره نصیحت برای مسلمانان: باید همان چیزی را برایشان دوست داشته باشد که برای خود دوست دارد و همان چیزی را برای آنان بد بدارد که برای خود بد می‌داند و برایشان دلسوزی کند و نسبت به کوچک آنان مهربان و نسبت به بزرگشان احترام نگه دارد. برای غمشان غمگین شود و برای شادی‌شان شاد شود اگرچه این برای دنیایش زیان داشته باشد، مانند کم کردن قیمت برایشان و اگر چه باعث از دست رفتن سودش در تجارتش شود و همینطور [اجتناب از] هرچه به طور کلی باعث زیانشان شود. و آنچه را به صلاح آنهاست و باعث الفت آنان می‌شود و مداومت نعمت‌هایشان و پیروزی‌شان بر دشمنان و دور شدن هرگونه آزار و بدی از آنان را دوست بدارد.

ابوعمر و بن الصلاح می گوید: نصیحت کلمه ای است جامع که دربرگیرنده تلاش نصیحت کننده برای نصیحت شونده برای اراده و انجام همه انواع خیر است» (جامع العلوم والحکم: ۸۰).

. اینکه در نصیحتش مخلص باشد و هدفش خشنودی الله باشد نه اظهار فضل و برتری جویی بر برادرش.

. اینکه نصیحت خالی از فریب و خیانت باشد. شیخ ابن باز. رحمه الله. می گوید: «نصیحت یعنی اخلاص در یک چیز و خالی بودن آن از فریب و خیانت. مسلمان به سبب بزرگداشت ولایت برادرش و محبتش در حق او، وی را به سمت هر آنچه به سود اوست راهنمایی می کند و آن را خالصانه و بدون هیچ شائبه و غل و غش می بیند. و از همین روی است سخن عرب که می گویند: **طلابی ناصح، یعنی بدون فریب [و ناخالصی].** و می گویند: **عسل ناصح یعنی خالی از فریب و موم**» (مجموع فتاوی ابن باز: ۹۰/۵).

. قصدش از نصیحت عیب جویی و سرزنش نباشد. حافظ ابن رجب. رحمه الله. رساله ای خاص در همین باره دارد به نام «**الفرق بین النصیحة والتعیر**».

. این نصیحت با روحیه برادرانه و از روی مودت باشد نه از روی خشونت و شدت، و الله تعالی می فرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [نحل: ۱۲۵]

(با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [روشی] که نیکوتر است مجادله نمای).

. اینکه از روی علم و روشننگری و حجت باشد. علامه سعدی. رحمه الله. می گوید: «از حکمت است که دعوت بر اساس علم باشد نه جهل و با آغاز از موارد مهم تر و سپس مهم تر و از مواردی باشد که به ذهن و فهم نزدیک تر و پذیرش آن کاملتر و از روی نرمش و مهربانی باشد. پس اگر از روی حکمت پذیرفت [چه بهتر] و گرنه به دعوت از روی موعظه حسنه که امر و نهی همراه با ترغیب و ترهیب است منتقل می شود. پس اگر شخص مقابل فکر می کند آنچه می گوید حق است یا دعوتگر به سوی باطل است با او به جدال بر اساس روشی که بهتر است می پردازد و آن روش هایی است که پذیرش آن از نظر عقل و نقل امکان بیشتری دارد، از جمله استدلال به ادله ای اسکه او به آن معتقد است زیرا این برای حصول مقصود امکان بیشتری دارد. و نباید مجادله به مخاصمه و ناسزاگویی بکشد که در این صورت هدف از مجادله تباه می شود و فایده ای از آن برده نمی شود و بلکه هدف از مجادله باید هدایت خلق به سوی حق باشد نه پیروزی بر آنان و مانند آن» (تفسیر السعدی: ۴۵۲).

. اینکه نصیحت به صورت پنهانی باشد و کسی را در برابر مردم نصیحت نکند مگر در صورت وجود یه مصلحت

راجح. ابن رجب. رحمه الله. می گوید: «سلف هرگاه می خواستند کسی را نصیحت کنند او را در نهان پند

می دادند تا جایی که یکی از آنان می گوید: هرکه برادرش را بین او و خودش نصیحت کند این [کارش]

خیرخواهی است، اما کسی که او را در میان مردم پند دهد در واقع او را تنبیه کرده. فضیل می گوید: مومن می پوشاند و نصیحت می کند، اما فاجر پرده دری می کند و عیب جویی می کند» (جامع العلوم والحکم: ۱/۲۳۶).

ابن حزم. رحمه الله. می گوید: «هرگاه نصیحت کردی در نهان اندرز گوی نه در آشکار، و غیر مستقیم بگو نه به صراحت مگر آنکه شخص مقابل نصیحت تو را غیر مستقیم نفهمد که باید صریح گفت... پس اگر از این روش ها عبور کردی تو ستمگری نه نصیحتگر» (الأخلاق والسير: ۴۵).

جز آنکه اگر فرض کند که در نصیحت عیان مصلحتی راجح است آنگاه اشکال ندارد که نصیحتگر نصیحتش را علنی گوید، مانند آنکه بخواهد به کسی که در مسائل اعتقاد در برابر مردم اشتباه کرده پاسخ گوید تا مردم از سخن او دچار فریب نشده و در اشتباهش پیروی او نکنند، یا مانند کسی که به انکار کسی می پردازد که ربا را حلال می داند یا بدعت و فجور را در بین مردم نشر می دهد که درباره چنین کسی باید نصیحت علنی باشد و بلکه به سبب مصلحت راجح و دوری از فساد غالب چه بسا این کار واجب باشد.

ابن رجب. رحمه الله. می گوید: «اگر هدف او صرفاً روشن کردن حق باشد تا مردم به سخن کسی که اشتباه کرده فریفته نشوند، قطعاً برای کارش اجر می برد و با این کارش و این نیتش در نصیحت برای الله و پیامبرش و حاکمان مسلمان و عموم آنان قرار گرفته است» (الفرق بین النصیحة والتعییر: ۷).

. اینکه نصیحتگر بهترین کلمات را برگزیند و با نصیحت شونده از در لطف و نرمش وارد شود.

. اینکه نصیحتگر در برابر آزاری که به سبب نصیحتش به او می رسد صبر کند.

. پوشاندن راز و ستر مسلمان و تعرض نکردن به آبروی او. نصیحتگر دلسوز و دوستار خیر است و پوشاندن دیگران را دوست دارد.

. اینکه پیش از نصیحت مطمئن باشد و بر اساس گمان نصیحت نکند تا برادرش را به آنچه نکرده متهم نکرده باشد.

. اینکه وقت مناسب را برای نصیحت انتخاب کند. ابن مسعود. رضی الله عنه. می گوید: «این قلبها اشتیاق و روی آوردنی دارد و [همچنین] رخوت و روی گرداندنی، پس آن را به هنگام اشتیاق و روی آوردنش بگیرد و به وقت رخوت و روی گرداندنش رها کنید» (ابن مبارک در الزهد: ۱۳۳۱).

. اینکه شخص ناصح خود به آنچه به مردم امر می کند عامل کند و آنچه را نهی می کند خود ترک گوید. الله متعال در توبیخ بنی اسرائیل به سبب تناقض گفتار و کردارشان می فرماید:

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ ثُلُونُ الْكِتَابِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [بقره: ۴۴]

(آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید؟ آیا نمی‌اندیشید؟).

در حق کسی که مردم را به معروف امر می‌کند و خود انجامش نمی‌دهد و آنان را از منکر باز می‌دارد و خودش انجامش می‌دهد.

والله اعلم